حادثه

معمای گم‌شدن ۲ دختربچه درانزلی

● رسیدگی به پرونده گم‌شدن یک دختربچه اهل بندر انزلی با سپری‌شدن دو هفته پرالتهاب برای خانواده‌اش وارد فاز جدیدی شده است. اکیپی از کارآگاهان ویژه پایتخت در حالی رسیدگی به این پرونده را در دستور کار خود دارند که امیدوارند با بررسی سرنخ‌ها بتوانند ردی از دنیای سه‌ونیم‌ساله و سرنوشت نامعلوم او پیدا کنند.

رحمان علمی پدر دنیا به «خبرآنلاین» گفته است: پلیس هنوز هیچ سرنخ موثقی که از سرنوشت دخترش حکایت داشته باشد به‌دست نیاورده است؛ با این حال به او اعلام شده پرونده دخترش نه با عنوان ربوده‌شدن بلکه با عنوان مفقودی در اداره آگاهی این شهرستان در حال رسیدگی است. ماجرای گم‌شدن دنیا سه‌ونیم‌ساله از آنجا در میان سایر اخبار حوادث در بندر انزلی پررنگ شده که خرداد سال گذشته نیز دختربچه هشت‌ساله‌ای به نام مائده کبرایی در راه بازگشت از مدرسه به خانه گم شد و با گذشت یک‌سال‌و دوماه از این ماجرا هنوز از سرنوشت او خبری در دست نیست.

شایعاتی که میان اهالی بندرانزلی دهان به دهان می‌چرخد، سرنوشت نامعلوم این دو دختربچه را به هم گره می‌زند اما هنوز معلوم نیست که این دو ماجرا به هم ارتباطی دارند یا نه. پدر دنیا در این‌باره می‌گوید: به ما گفته‌اند پرونده دخترم ارتباطی به ماجرای گم‌شدن مائده ندارد چون آن پرونده قطعا یک آدم‌ربایی است اما کسی ندیده که دنیا را ربوده باشند، به همین علت با عنوان مفقودی به این پرونده رسیدگی می‌شود. او درباره روزی که دخترش از خانه خارج شد و دیگر بازنگشت نیز گفت: خانه ما در خیابان قاضیان در بن‌بست سلیمی‌نژاد واقع است.

ساعت ۱۱:۳۰ صبح، دخترم مشغول بازی در حیاط بود. همسرم در حال پختن غذا بود و در همین زمان دنیا از خانه بیرون رفت. غیبتش که طولانی شد همسرم به دنبال دنیا داخل حیاط و کوچه رفت اما اثری از او نبود. از همسایه‌ها هم سؤال کرد و آنها هم او را ندیده بودند. بعد از آن بود که با من تماس گرفت و مرا هم در جریان ناپدیدشدن دخترمان قرار داد. هرچه به دنبال او گشتم، فایده‌ای نداشت.

بعد از آن هم پلیس را در جریان ماجرا قرار دادیم و خودمان هم پوسترهایی در سطح شهر نصب کردیم تا اگر کسی دخترمان را دید، به ما اطلاع دهد اما هنوز خبری نشده و من و مادرش بسیار نگران هستیم. رحمان ادامه داد: من از همه مسئولانی که در حال پیگیری سرنوشت دخترم هستند، تشکر می‌کنم چراکه انصافا تلاش زیادی کرده‌اند اما خواسته ما این است که هرچه می‌توانند جدی‌تر به این موضوع رسیدگی کنند، چون بقیه خانواده‌ها نیز احساس ناامنی می‌کنند و نگران فرزندانشان هستند. پدر دنیا درحالی‌که مدام بغض خود را فرو می‌خورد، گفت: ما بچه خودمان را ازدست داده‌ایم اما خانواده‌های دیگر نگران هستند و ما می‌خواهیم با معلوم‌شدن سرنوشت دخترمان خانواده‌های دیگر هم بیش از این نگران نباشند و احساس امنیت به شهرمان بازگردد.

مائده کبرایی دختر دیگر اهل بندرانزلی بود که ساعت ۱۰:۳۰ چهارم خرداد پارسال درحالی‌که از مدرسه‌اش در خیابان معلم غازیان تعطیل شده بود و تنها باید فاصله حدود ۳۰۰ متری تا خانه را می‌پیمود، در میانه راه گم شد و دیگر به خانه بازنگشت.

سرنوشت نامعلوم این دختربچه در حالی هنوز سربه‌مهر است که امام‌جمعه بندر انزلی ۱۰ خرداد همان سال در خطبه‌های نماز جمعه عنوان کرد تمام مسئولان به‌جد پیگیر ماجرای این پرونده هستند تا هرچه‌سریع‌تر این دختر به آغوش خانواده‌اش بازگردد اما این پیگیری‌ها تاکنون هیچ نتیجه‌ای نداده است. بسیج دوروزه مردم برای یافتن سرنخی از این دانش‌آموز پایه اول مدرسه شهیدجعفری‌نیا در بندرانزلی هم راه به جایی نبرد تا جولان شایعات پیرامون این ماجرا افکار خانواده‌ها را مسموم‌تر کند و حالا با گم‌شدن دختربچه‌ای دیگر، اذهان را به سمت سریالی‌بودن این گم‌شدن‌ها سوق دهد.

پس از گم‌شدن مائده عده زیادی از مردم، مدرسه و آموزش‌وپرورش را مقصر این ماجرا می‌دانستند که پس از پایان امتحانات کماکان خواستار حضور دانش‌آموزان در مدرسه شده بودند و علاوه بر این در ساعاتی غیر از ساعات مشخص اجازه خروج بچه‌ها از مدرسه را داده بودند.

با این حال همان موقع فریدون طیوری مدیر آموزش‌وپرورش این شهرستان اعلام کرده بود که قرار است با هماهنگی اولیا ۱۰:۳۰ صبح مدارس را برای برگزاری امتحانات مقاطع بالاتر تعطیل کنند و به مدیران مدارس تاکید شده بود طبق برنامه عادی سالانه، چه دانش‌آموز باشد چه نباشد، تا ساعت مقرر یعنی ۱۲:۳۰ سر کار خود بمانند.

خانواده این کودکان امید دارند پیگیری‌های ویژه برای این دو پرونده سرنوشت دخترانشان را مشخص کند.

خانواده «آمربه‌معروف» از قصاص گذشت کردند

والدین علی خلیلی در نامه‌ای نوشتند: بدون ذره‌ای چشمداشت از حق قصاص گذشت می‌کنیم

شرق: خانواده علی خلیلی، جوانی که در پی جراحات وارده بر بدنش توسط جوان دیگری جان باخته و به شهید امربه‌معروف شهرت یافته است، با انتشار نامه‌ای در رسانه‌ها اعلام کردند بدون هیچ قیدوشرطی از حق قصاص گذشت می‌کنند.

به گزارش خبرنگار ما، ۲۵ تیر سال ۹۰ درگیری‌ای بین دو جوان به نام‌های علی خلیلی و احسان اتفاق افتاد که این درگیری منجر به واردآمدن جراحات سنگینی بر بدن علی خلیلی شد. زمانی که تحقیقات پلیسی در این خصوص آغاز شد، علی به مأموران گفت: «قصد امربه‌معروف داشته زیرا احسان برای دو دختر جوان مزاحمت ایجاد کرده بود. این مسئله موجب درگیری بین آنها و مضروب‌شدن او شد». وقتی احسان جوان دستگیر شد، ادعا کرد مزاحمتی برای هیچ دختری به وجود نیاورده و علی اشتباه کرده است. بااین‌حال او به دلیل واردآوردن ضرباتی بر بدن علی و ایجاد جراحت به پرداخت دیه و سه سال حبس محکوم شد. مدتی بعد علی و پدرش در دادسرا حاضر شدند و اعلام کردند نسبت به احسان رضایت می‌دهند. همین هم باعث تخفیف در مجازات احسان شد اما پرونده به همین‌جا ختم نشد. سه سال بعد درحالی‌که چند روزی از پایان مجازات حبس احسان گذشته بود، علی خلیلی به دلیل عفونت روده و ضعف شدید که ناشی از عوارض عمل جراحی بود، جان خودش را از دست داد. بعد از مرگ این جوان، پدر و مادرش به‌عنوان ولی‌دم این‌بار به اتهام قتل عمدی فرزندشان از احسان شکایت کردند که همین شکایت موجب بازداشت مجدد احسان شد. هرچند این جوان همچنان تاکید می‌کرد قصدی برای قتل نداشته و برای کسی هم مزاحمتی ایجاد نکرده است اما پزشکی‌قانونی اعلام کرد علت مرگ، عوارض ناشی از جراحات وارده در سه سال قبل بوده. با توجه به اینکه علی در این مدت زندگی عادی داشته و توانسته بود به سفر برود، احسان به این نظر اعتراض کرد اما پزشکی‌قانونی اعلام کرد عفونت روده مقتول نیز به دلیل عوارض جراحات سه سال قبل بوده است. به‌این‌ترتیب احسان رسما به قتل متهم شد.

یک سال بعد شعبه ۱۱۳ وقت دادگاه کیفری استان تهران جلسه رسیدگی به این پرونده را برگزار کرد. در ابتدای جلسه، نماینده دادستان کیفرخواست علیه متهم را خواند و احسان را عامل قتل معرفی کرد و خواستار رسیدگی به این پرونده شد.

سپس پدر و مادر علی خلیلی در جایگاه حاضر و خواستار صدور حکم قصاص شدند. مادر مقتول که بسیار ناراحت بود، در توضیح علت شکایتش و اینکه چطور شد که علی اعلام رضایت کرد گفت:« علی به متهم تذکر لسانی داده بود اما احسان، پسرم را آن‌طور که به ما گفته‌اند از پشت‌سر با ضربه چاقو مجروح کرد. این کار قتل عمد است. ما زمانی که رضایت دادیم، اولا خدا علی را دوباره به ما برگرداند، دوما اینکه او از بیمارستان مرخص شده بود و هیچ اطلاعاتی درخصوص عوارض بعدی نداشتیم. شب حادثه علی بر اثر خون‌ریزی شدید سکته مغزی کرد. وقتی علی سکته مغزی کرد، هوشیاری ذهنش کمتر شد. از طرفی برای پسرم حنجره مصنوعی نصب کرده بودند اما فکر نمی‌کردیم حنجره مصنوعی روی ریه او تأثیر می‌گذارد. در این مدت با گفتاردرمانی و فیزیوتراپی علی را سرپا نگه داشته بودیم».سپس احسان که ۲۴ ساله است، در جایگاه حاضر شد و جزئیات را توضیح داد. او گفت: اتهام قتل عمدی را قبول ندارم. آن شب به دلیل مصرف مشروبات الکلی حالت عادی نداشتم. من و یکی از دوستانم سوار موتور بودیم که مرحوم خلیلی و سه نفر دیگر به سمت ما آمدند و مرحوم به من گفت این وقت شب در خیابان چه می‌کنید، بعد هم از ما خواست کنار خیابان توقف کنیم. وقتی مرحوم خلیلی از موتور پیاده شد، عینکش را داخل جیبش گذاشت که من تصور کردم قصد حمله به طرفم را دارد، به‌همین‌خاطر چاقویی به طرفش پرت کردم که تیزی چاقو به گردنش اصابت کرد. وقتی خون را دیدم، از ترس از محل گریختم. اگر می‌دانستم مرحوم خلیلی روحانی است، هیچ‌وقت این کار را انجام نمی‌دادم. قصدم از این کار تنها ترساندن مرحوم خلیلی بود. بعد از پایان جلسه رسیدگی، پنج قاضی تصمیم‌گیرنده با سه رأی مثبت اکثریت آرا حکم قصاص صادر کردند. این رأی مورد اعتراض احسان قرار گرفت. حکم مورد تأیید دیوان‌عالی کشور قرار گرفت و برای استیذان به دفتر رئیس قوه قضائیه ارسال شد. پرونده همچنان در حال بررسی بود که روز گذشته اولیای‌دم اعلام کردند بدون قید و شرط اعلام رضایت می‌کنند. در نامه‌ای که پدر و مادر علی خلیلی به خبرگزاری تسنیم داده‌اند، آمده است: «فرزند عزیزمان؛ علی جان، اکنون که با خون شاهرگ تو، رایحه دفاع از حریم نوامیس جامعه اسلامی‌مان، بار دیگر جان گرفته است و به کوری چشم معاندان داخلی و خارجی فرهنگ غنی اسلامی و فریضه امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، تو به نمادی برای احیای این واجب ازیادرفته بدل شده‌ای، دیگر چه جای تأثر و ناراحتی از فراق تو ای جوان خنده‌روی ما؛ دیگر چه جای غم و اندوه از ندیدن سیمای نورانی تویی که بذل خون خود را با ایثار و گذشت از خطای نابخشودنی خاطی‌ای که جانت را هدف گرفته بود به سرحد کمال رساندی. شاید بهار کوتاه عمر تو با زنده‌ماندن معجزه‌آسای تو پس از جراحتت، چندان افزوده نشد، اما ماندی که پیام‌رسان این اعتقاد راسخ قلبی‌ات باشی که اگر هر ملامت‌کننده ناآگاه یا مغرضی از تو می‌پرسید که چرا این‌گونه جان‌برکف، برای رهایی خواهران دینی‌ات از چنگال افرادی غافل عمل نمودی، فریاد می‌زدی که «برای یک لبخند آقا و رهبرت، سیدعلی عزیز» که جانمان به فدایش باد چنین کردی. در ادامه این نامه آمده است: بگذار تا رسانه‌های استکباری غرب و نهادهای ضداسلامی بین‌المللی حق ما را در قصاص خطاکاری که گل وجود تو را پرپر کرد و در اعمال آن نمایندگان یک خواست عمومی جامعه اسلامی ایران هستیم، درحالی‌که نه خود و نه خانواده‌اش هیچ‌گاه متنبه نشدند و بارها در اظهاراتی نسنجیده دل ما را شکسته‌اند، به رسمیت نشناسد؛ و صدالبته خداوند متعال این حق را بر هر ولی مظلومی که به‌ناروا کشته شود ارزانی کرده و فرموده است که «فی‌القصاص حیاه یا اولی‌الابصار». فرزند شهیدمان؛ با وجود همه قصورها، کوتاهی‌ها و گاه دل‌شکستگی‌هایی که طی این چهار سال در حق ما روا شد، ما نیز به تو اقتدا کرده و با استعانت از الطاف خفیه الهی و با توسل به قلب عالم امکان، حضرت بقیه‌الله‌الاعظم ارواحنا له‌الفدا، به امید یک لبخند آقا و رهبرمان حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، بدون ذره‌ای چشم‌داشت مراتب گذشت قاطع و منجز خویش را از حق قصاص خود به اطلاع عموم مردم حزب‌الله ایران می‌رسانیم».

گفت‌وگو با پدر جوان متهم به قتل

پدر احسان که از اعلام رضایت خبر نداشت و از طریق تماس خبرنگار «شرق» در جریان قرار گرفت، درحالی‌که به‌شدت گریه می‌کرد، گفت: در این مدت خیلی عذاب کشیدیم، هرروز با این فکر که مبادا احسان را برای اجرای حکم ببرند بیدار می‌شدیم و زندگی درستی نداشتیم. در سال‌های جنگ برای کشور و مردمم جنگیدم و جانباز ۶۰ درصد هستم. وضعیت بدی داشتم، موجی شدم و ترکش هم به سرم برخورد کرد اما هیچ‌وقت هیچ منتی بر کسی نگذاشتم. می‌دانستم خانواده علی خلیلی هم بسیار متدین و پایبند به نظام هستند. برای دریافت رضایت بسیار به این خانواده مراجعه کردیم هرچند مادر علی از شدت ناراحتی حاضر به پذیرش ما نبود اما چندبار پدرش با متانت جواب ما را داد و گفت صبر کنید داغ ما تازه است تصمیمی می‌گیریم که به‌نفع جامعه و نظام باشد. شکر خدا فرزندم را به من بخشیدند. وی در مورد وضعیت احسان گفت: روز دوشنبه به ما خبر دادند بند احسان را عوض کرده‌اند. دلشوره عجیبی گرفتیم. دیروز همسرم به زندان رفت تا ببیند چه شده و مبادا احسان را برای اجرای حکم برده باشند که بعد گفتند او را دوباره به بند خودش برمی‌گردانند. او در این مدت برای علی نماز می‌خواند و عبادت می‌کرد و سه جزء از قرآن را هم حفظ کرده است. من یک‌بار دیگر از طرف احسان و خودم درخواست حلالیت می‌کنم و از خانواده خلیلی به‌خاطر لطف بزرگی که کردند ممنون هستم. در این مدت درد آنها را فهمیدم. هرروز با کابوس اعدام فرزند خوابیدن خیلی سخت است و من در این یک‌سال‌واندی هر شب با کابوس اعدام فرزندم خوابیدم و همه اعضای خانواده‌ام همین وضعیت را داشتند.

نجات زن اسیدپاش از چوبه دار

متهم از قتل شوهرش ابراز پشیمانی کرد

شرق: زنی که با پاشیدن اسید به صورت شوهرش باعث مرگ او شده بود، با رضایت اولیای‌دم از قصاص نجات پیدا کرد. به گزارش خبرنگار ما، متهم که زنی ۴۰ساله است بعد از اینکه با شوهرش درگیری لفظی پیدا کرد، نیمه‌شب روی او اسید پاشید و باعث مرگش شد. هرچند این زن در ابتدا سعی داشت وانمود کند نمی‌داند چه کسی این کار را کرده است اما با توجه به اطلاعاتی که مأموران به دست آورده بودند، مجبور به اعتراف شد. این زن که سارا نام دارد، وقتی به مأموران مراجعه کرد، گفت: «من و شوهرم در خانه خواب بودیم که یک‌دفعه احساس کردم کسی در حال خفه‌کردن من است. وقتی به خودم آمدم متوجه شدم شوهرم هم فریاد می‌زند و می‌گوید سوختم، سوختم. بلافاصله شوهرم را به بیمارستان رساندم، گفتند او را با اسید سوزانده‌اند. شخصی وارد خانه ما شده و قصد کشتن من و شوهرم را داشته. ما تازه برای زندگی به یک باغ رفته بودیم و نمی‌دانم چه کسی این کار را کرده است». درحالی‌که زن جوان می‌گفت نمی‌داند چه شده است، مأموران، نگهبان باغ را مورد بازجویی قرار دادند. این مرد گفت: «کسی وارد باغ نشد اما نیمه‌شب من متوجه درگیری این زوج شدم. آنها قبل از اینکه بخوابند با هم جروبحث کردند».زمانی که این اطلاعات به دست آمد، سارا مجبور به اعتراف شد. او گفت: «شوهرم مدام من را کنترل می‌کرد و می‌گفت چرا این‌قدر بیرون می‌روی و گردش می‌کنی. بعد یک روز به من گفت بیا به شهریار برویم و در باغی که داریم بمانیم. من فکر کردم برای تفریح می‌رویم، قبول کردم اما وقتی وارد باغ شدیم و چندروزی گذشت، گفت از این به‌بعد همین‌جا می‌مانیم و تو هم حق نداری بیرون بروی. سر این موضوع با هم جروبحث کردیم. نیمه‌شب درحالی‌که شوهرم خواب بود، بیرون از خانه رفتم و مقداری اسید که داخل ظرف بود برداشتم و به صورت شوهرم ریختم».بعد از پایان جلسه بازپرسی، فرزندان مقتول اعلام رضایت کردند و تنها شاکی پرونده، مادرشوهر سارا بود. پنج سال بعد از وقوع حادثه، روز گذشته سارا در حالی در دادگاه کیفری شماره یک پای میز محاکمه رفت که مادرشوهرش در جلسه دادگاه حاضر نشده بود. او از قتل شوهرش ابراز پشیمانی کرد و گفت: «چون نتوانستم عصبانیتم را کنترل کنم، چنین اتفاقی افتاد و خیلی پشیمان هستم». فرزندان مقتول نیز در نامه‌ای رسمی اعلام کردند شرط مادربزرگشان را برای گذشت از مادرشان اجرا و سند قانونی را ضمیمه پرونده قرار کرده‌اند. قضات به‌زودی درخصوص این پرونده تصمیم می‌گیرند.

قتل با سلاح، در پرونده مرد شکاک

شرق: مردی که شوهرخواهرش را به‌دلیل ازدواج با همسر سابقش به قتل رسانده بود، پای میز محاکمه رفت. به گزارش خبرنگار ما، این مرد دو سال قبل اقدام به قتل کرد و بعد از بازداشت گفت با تهیه سلاح دست به جنایت زده چون متوجه شده شوهرخواهرش از مدت‌ها قبل با همسر او رابطه داشته و همین هم باعث جدایی آنها شده است.

متهم گفت: مدت‌ها بود متوجه شده بودم همسرم با کسی رابطه دارد. چندبار با هم درگیر شدیم. زندگی‌ام وضعیت بدی پیدا کرده بود. شک کرده بودم که این مرد شوهرخواهرم است و به خواهرم هم گفته بودم اما او کاری نمی‌کرد تا اینکه همسرم از من جدا شد. مدتی بعد متوجه شدم او با شوهرخواهرم به صورت صیغه‌ای ازدواج کرده است. وقتی موضوع را با شوهرخواهرم مطرح کردم، گفت به شما ربطی ندارد و حالا او دیگر همسرت نیست. این مرد و زن زندگی من و خواهرم را خراب کرده بودند به‌همین‌خاطر هم من دیگر نتوانستم تحمل کنم و تصمیم گرفتم انتقام بگیرم. او در حالی همسرم را از من جدا کرد که فرزند داشتم. پرونده پس از صدور کیفرخواست علیه متهم برای رسیدگی به دادگاه کیفری شماره یک فرستاده شد. متهم روز گذشته پای میز محاکمه رفت و از خود دفاع کرد. قضات بعد از پایان جلسه رسیدگی وارد شور شدند.

کلاهبرداری از طریق «بی‌تالک»

شرق: شخصی که در فضای مجازی از پسری جوان کلاهبرداری کرده بود، با تلاش مأموران پلیس فتای فارس شناسایی و دستگیر شد. جوانی ۳۰ساله چند روز قبل به پلیس فتای شیراز مراجعه و علیه دختری به اتهام کلاهبرداری از طریق شبکه بی‌تالک شکایت کرد. این پسر که محمود نام دارد، در توضیح ماجرا گفت: «مدتی قبل از طریق شبکه اجتماعی بی‌تالک با دختری آشنا و به او علاقه‌مند شدم. آن دختر که خودش را نرگس معرفی کرده بود، به من گفت خانواده‌اش در ایران سکونت ندارند و او با عمویش در یکی دیگر از استان‌های کشور زندگی می‌کند. ارتباط ما در این مدت ادامه داشت و علاقه من نسبت به او روزبه‌روز بیشتر می‌شد. در این میان، با ارسال تصاویر شخصی، دوستی اینترنتی ما نزدیک‌تر شد تا اینکه تصمیم گرفتم با نرگس ازدواج کنم به همین دلیل قرار شد مراسم خواستگاری با حضور خانواده‌ها در شیراز به صورت رسمی برگزار و پس از آن مقدمات ازدواج انجام شود. روز مراسم خواستگاری نرگس برایم پیامی ارسال و ادعا کرد خودرو عمویش در جاده خراب شده و برای تسویه‌حساب تعمیرگاه به مبلغ ۶۰۰هزارتومان نیاز دارد. من که حرف‌های نرگس را باور کرده بودم این مبلغ را برایش واریز کردم اما از آن به بعد دیگر از این دختر خبری نشد و او ارتباط‌مان در بی‌تالک را نیز قطع کرد پس از آن بود که فهمیدم فریب خورده‌ام و تمام این ماجرا در واقع یک کلاهبرداری بود».

کارآگاهان بعد از دریافت این شکایت تحقیقات خود را آغاز کردند و درنهایت با بررسی‌های فنی و تخصصی متهم را که مردی ۲۹ساله و در فضای مجازی به‌دروغ خود را دختر معرفی کرده بود، شناسایی و دستگیر کردند. این مرد در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت: «در شبکه‌های اجتماعی پسران جوان را شناسایی و با معرفی خودم به‌عنوان دختر آنها را فریب می‌دادم، تصاویری را که از دختران دیگر در اختیار داشتم به جای عکس‌های خودم برای طعمه‌ها می‌فرستادم و وانمود می‌کردم من نیز مانند آنها به ازدواج یا ادامه رابطه با آنان علاقه‌مند هستم به این ترتیب اعتمادشان را جلب و سپس در فرصتی مناسب به بهانه‌های مختلف از آنها کلاهبرداری می‌کردم». سرهنگ سیدموسی حسینی، رئیس پلیس فتای فارس، درباره این پرونده گفت: متهم انگیزه خود را از این عمل مجرمانه سرگرمی عنوان کرده است.

بنابر این گزارش، متهم اکنون در اختیار مرجع قضائی قرار دارد.

رخداد

سرقت با تعویض کارت‌های عابربانک

● **شرق:** دو عضو باند خانوادگی که با فریب افراد مسن، کارت‌های عابربانک آنها را با کارت‌های تقلبی معاوضه می‌کردند، بعد از ۲۱ فقره سرقت به دام افتادند. تحقیقات برای دستگیری این متهمان از زمانی آغاز شد که فردی به پلیس فتای شهرستان رباط‌کریم مراجعه کرد و از سرقت کارت عابربانکش خبر داد. در تحقیقات به‌عمل‌آمده از شاکی مشخص شد او چند روز قبل، برای برداشت پول نقد جلو دستگاه خودپرداز رفته و به دلیل ناتوانی در انجام عملیات بانکی از فردی ناشناس کمک خواسته و کارت و رمز آن را نیز به وی داده بود. شاکی توضیح داد: «شخص ناشناس پس از چند دقیقه با ارائه برگ رسید، عنوان کرد کارت شما توسط دستگاه خودپرداز ضبط شده و باید در ساعت اداری به بانک مراجعه کنید. من نیز حرف او را باور کردم اما پس از رفتن به بانک متوجه شدم ۱۰میلیون‌و ۵۰۰ هزار ریال از حسابم برداشت شده است». شاکی مشخصات ظاهری سارق را ارائه داد و مأموران در گام بعدی با بررسی پرینت حساب شاکی و استعلام از شرکت پشتیبانی‌کننده خدمات بانکی، فهمیدند از کارت شاکی در کافی‌نتی در شهر قلعه‌میر، مبلغ پنج میلیون ریال خرید اینترنتی شده است. سرهنگ «جعفر علیزاده»، فرمانده انتظامی شهرستان رباط‌کریم، درباره این پرونده تصریح کرد: مأموران انتظامی با مراجعه به کافی‌نت و بررسی تصاویر ضبط‌شده دوربین‌های مداربسته، چهره سارق را شناسایی و پس از تشکیل تیم عملیاتی با هماهنگی مقام قضائی، متهم را هنگام خروج از منزلش در رباط‌کریم، دستگیر و برای بررسی و بازجویی به پلیس آگاهی منتقل کردند. سرهنگ علیزاده تصریح کرد: متهم در بازجویی‌های پلیسی به جرم خود اعتراف و اقرار کرد با همدستی خواهرزاده‌اش و حضور در اطراف دستگاه‌های خودپرداز، افراد مسن را که برای دریافت پول از دستگاه‌های خودپرداز استفاده می‌کردند، شناسایی می‌کرد و به قصد کمک به آنها نزدیک می‌شد، سپس در فرصتی با گرفتن رمز، کارت عابربانک قربانی را با کارت‌های عابربانک تقلبی و سوخته جایگزین و همراه همدستش در دستگاه خودپرداز دیگر اقدام به سرقت می‌کردند». فرمانده انتظامی رباط‌کریم در ادامه گفت: مأموران پلیس فتای رباط‌کریم، مخفیگاه همدست سارق دستگیرشده را در قلعه «میر» شناسایی و پس از هماهنگی قضائی متهم را دستگیر کردند که او در بازجویی‌های پلیس به ۲۱ فقره سرقت کارت عابربانک با همدستی دایی‌اش و سرقت صد میلیون ریال اعتراف کرد. بنابر این گزارش، متهمان دستگیرشده روانه زندان شدند.

پنج قاره

۱۱ کشته در انفجار شرکت گاز هرات

● ۱۱ نفر در انفجار پنج شرکت گاز هرات در افغانستان جان باختند و ۲۱ نفر دیگر زخمی شدند. منابع افغان انفجار یک کامیون حامل گاز را عامل این حادثه اعلام کردند. این حادثه ابتدا در یک شرکت گاز اتفاق افتاد و سپس به چهار شرکت همجوار نیز سرایت کرد. این انفجار که شامگاه دوشنبه رخ داد و آتش‌سوزی گسترده‌ای را به دنبال داشت، ساعت سه بامداد دیروز خاموش شد.

تیراندازی مرگبار در کالیفرنیا

● یک نفر در تیراندازی کالیفرنیا کشته و هفت نفر زخمی شدند. درحالی که گروهی از شهروندان در منطقه «مودستو» در کالیفرنیا عازم ورود به سالن برگزاری موسیقی بودند هدف گلوله‌های اسلحه یک فرد قرار گرفتند. در پی این حادثه، هشت نفر مجروح و به بیمارستان منتقل شدند که یکی از آنان جان سپرد. جمعه گذشته، درپی تیراندازی در اطراف یک مجموعه مسکونی، دو نفر کشته و زخمی شد.

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان بوشهر

تجدید آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای (۹۳/۳۴)

شرکت گاز استان بوشهر در نظر دارد انجام خدمات ذیل را براساس مشخصات و شرایط کلی مندرج در جدول و از طریق برگزاری مناقصه عمومی به شرکت واجد شرایط واگذار نماید.

۱	نام و نشانی مناقصه گزار	شرکت گاز استان بوشهر- بوشهر فلکه قدس - بلوار رئیسعلی دلواری -- نرسیده به چهارراه کشتیرانی
۲	شرح خدمات	خرید رگولاتور دیافراگمی خانگی با ظرفیت های مختلف طبق مشخصات فنی
۳	نوع مناقصه	دو مرحله ای
۴	مکان توزیع و تحویل اسناد	امور حقوقی و قراردادهای شرکت گاز استان بوشهر
۵	آخرین مهلت اعلام آمادگی و ارسال اسناد مناقصه گران	تا ساعت ۱۵ روز شنبه ۱۳۹۴/۰۶/۲۱
۶	اولین روز توزیع اسناد	از ساعت ۱۰ روز شنبه ۱۳۹۴/۰۶/۲۸
۷	آخرین روز توزیع اسناد	تا ساعت ۱۴ روز دوشنبه ۱۳۹۴/۰۶/۳۰
۸	مکان و زمان تحویل پیشنهاد ها	دبیر خانه رمز محرمانه شرکت گاز استان بوشهر - تا ساعت ۱۳:۰۰روز دوشنبه ۹۴/۰۷/۱۳
۹	محل و زمان گشایش پیشنهادها	سالن کنفرانس شرکت گاز استان بوشهر - روز دوشنبه ۹۴/۰۷/۱۳
۱۰	برآورد اولیه	۱۸/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۱۱	نوع و میزان تضمین شرکت در مناقصه	ضمانتنامه معتبر بانکی ۹۲۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۱۲	رتبه بندی	کلیه تولید کنندگان / تامین کنندگان دارای گواهی نامه صلاحیت معتبر مرتبط با موضوع مناقصه از وزارت صنعت ، معدن و تجارت
۱۳		**ارائه صورتهای مالی حسابرسی شده الزامی می باشد**

از کلیه شرکت ها/پیمانکاران واجد شرایط دعوت می شود ضمن اعلام آمادگی کتبی جهت شرکت در مناقصه از طریق نمابر ذیل ، فرم مدارک لازم و شرایط پذیرش شرکت کنندگان در مناقصات را که در شبکه اطلاع رسانی این شرکت به آدرس **www.nigc-boushehr.ir** موجود می باشد را با دقت تکمیل و به همراه مدارک مربوطه (به همراه **CD** مدارک) بلافاصله پس از چاپ آگهی نوبت اول و دوم به آدرس: بوشهر – فلکه قدس – بلوار رئیسعلی دلواری –نرسیده به چهارراه کشتیرانی –امور حقوقی و قراردادها ارسال و یا توسط نماینده آن شرکت تحویل نمایند تا پس از بررسی اسناد و مدارک واصله در چارچوب ضوابط و مقررات داخلی از شرکت های واجد شرایط جهت دریافت اسناد و مدارک مناقصه دعوت بعمل آید.
شناسه ملی بهمراه فرمهای ارزیابی کیفی پیمانکاران الزامی می باشد.

تلفن : ۰۷۷۳۱۶۶۴۲۹۱ فکس جهت اعلام آمادگی : ۰۷۷-۳۳۳۳۰۹۶۴

روابط عمومی شرکت گاز استان بوشهر